

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## خلاصہ کتاب فلسفہ روانشناسی

نویسنده:

ماریو بوئرہ

مترجمان:

دکتر محمد جواد زارعان و همکاران

## پیشگفتار:

- علوم انسانی، بیانگر ویژگی‌های انسان‌اند.
- فلسفه، رگ حیات و پایه بنیادنی برای همه علوم انسانی است.
- به اعتقاد بوئژه، علت اساسی رکود نظری روانشناسی، بعد فلسفی آن است.

## فصل اول: هدف فلسفه علم روانشناسی چیست؟

- فلسفه در بدو ظهور، همه علوم را در بر می‌گرفت و فیلسوفان، جامع معقول و منقول بودند.
- امروزه فلسفه، شاخه‌ای از علوم انسانی است و فلاسفه، بیشتر به مسائل خاص مفهومی توجه می‌کنند.
- شایع‌ترین شیوه فلسفی کردن، این است که به کمک مخلوطی از دانش معمولی رایج، ته مانده‌ای از میراث فلسفی و منطق، درباره برخی از مسائل عمومی تأمل شود.
- پیازه، شیوه فوق را فلسفه تخیلی می‌نامد.
- در سال ۱۸۵۰ و با پیدایش روان‌فیزیک، روانشناسی استقلال خود را از فلسفه بدست آورد.
- کتاب مفهوم ذهن نوشته رایل، منحصر بر رفتارگرایی افراطی تکیه می‌کند.
- فلسفه ذهن استراسون در کتاب افراد، به همان ایده قرون وسطایی بر می‌گردد که انسان، ترکیبی از بدن و روان است.
- دیدگاه پوپر، بازمانده بلافصل دیدگاه کنش متقابل دکارت در دوگانگی تن و روان است.
- در کتاب پوپر از قانون پایستگی انرژی سرپیچی شده است.

### تأثیر فلسفه بر روانشناسی:

- ✓ فلسفه از ۲۰۰۰ سال پیش بر روانشناسی اثر می‌گذارد: یکی از طریق فرضیه‌های مربوط به ماهیت روان و روش مناسب مطالعه آن و دیگری از رهگذر اصولی کلی که زیربنای تحقیقات علمی در هر رشته‌ای است.
- ✓ اگر روان را همچون یک هویت مجرد در نظر بگیریم، یعنی دیدگاه ایده‌آلیستی یا روح‌گرایی راجع به روان پذیرفته‌ایم و ناگزیر از داشتن روانشناسی ذهن‌گرا هستیم.
- ✓ هدف ذهن‌گرایی، توصیف حالات ذهنی یا روانی به ویژه جریان آگاهی و تأثیر آنها بر حالات بدنی است.
- ✓ بخش عمده روانشناسی کلاسیک، ذهن‌گرا و نشأت گرفته از آرمان‌گرایی فلسفی است.
- ✓ رفتارگرایی بیشتر در واکنش در مقابل ذهن‌گرایی و در ارتباط نزدیک با اثبات‌گرایی که نوعی فلسفه تجربی بوده تکامل یافت.
- ✓ رفتارگرایی، وجود روان و یا دست کم امکان مطالعه علمی آن را نفی کرد.
- ✓ رفتارگرایی در یک نقطه مشترک با ذهن‌گرایی، توجه خود را از سیستم عصبی دور نگه داشت و تنها بر محیط طبیعی (رفتارگرایی زیستی) یا محیط اجتماعی (رفتارگرایی اجتماعی) متمرکز شد.
- ✓ روان‌زیست‌شناسی با هر دو مکتب ذهن‌گرایی و رفتارگرایی تفاوت دارد.
- ✓ نقطه اشتراک روان‌زیست‌شناسی با ذهن‌گرایی، در باور به وجود حالات روانی است و محل تلاقی آن با رفتارگرایی، باور به ضرورت پژوهش به روش علمی است.
- ✓ روان‌زیست‌شناسی می‌انگارد که رفتار، نتیجه فرآیند عصبی است که گاه با محرکی خارجی به جریان می‌افتد در حالی که حالات ذهنی، حالات خاصی از مغز است.
- ✓ دیدگاه روان‌زیست‌شناسی، ریشه در یونان باستان داشته و همان عقیده آلکمایون است که بقراط نیز آن را پذیرفت.
- ✓ این رای ضعیف که مغز چیزی جز یک وضعیت و حالتی از ماده نیست، دیدگاه مشترک تمام فلسفه‌های ماده‌گراست.

- ✓ کانت و پیروان وی در قرن ۱۹، گروهی به نام مکتب تاریخی - فرهنگی یا انسان‌گرا تشکیل دادند و اعلام کردند روانشناسی نمی‌تواند یک علم طبیعی باشد بلکه یک علم روحی (عقلی) همراه با علوم اجتماعی است.
- ✓ اینکه روح، مجرد و عاری از قانون فرض شود، هنوز در برخی مکاتب به ویژه در روانشناسی انسان‌گرا، روان تحلیل‌گری و تا حدودی در روانشناسی تحلیل زبانی چامسکی مشهور است.
- ✓ مکتب انسان‌گرایی با ایجاد مانع میان انسان و طبیعت، مطالعه در مورد انسان را به تاخیر انداخته است.
- ✓ دیدگاه آرمانگرا در مورد ویژه بودن انسان را با ۲ اصل زیر می‌پذیریم: الف) انسان نتیجه فرآیند طولانی تکاملی است که صرفاً عوامل مادی در آن دخیل بوده است ب) انسان‌ها می‌توانند به شکل علمی مطالعه شوند.
- ✓ اصل الف در ماده‌گرایی حدوثی و اصل ب، جزئی از واقع‌گرایی علمی است.
- ✓ ماده‌گرایی یک نظریه هستی‌شناختی و واقع‌گرایی، دیدگاهی در شناخت‌شناسی است.

### فلسفه‌های روان:

- ✓ فلسفه‌های متعدد روان به ۲ گروه بزرگ تقسیم می‌شوند: وحدت‌گرایی روان فیزیکی (روان تنی) و دوگانه‌گرایی روان فیزیکی.
- ✓ وحدت‌گرایی بر آن است که ماده و روان، به شکلی، یک امر واحد هستند.
- ✓ دوگانه‌گرایی بر آن است که ماده و روان، دو امر متفاوت هستند.
- ✓ تقسیم وحدت‌گرایی و دوگانه‌گرایی با تقسیم سنتی آرمان‌گرایی - ماده‌گرایی تفاوت دارد و هر دو جناح شامل آرمان‌گراها و ماده‌گراها هستند.
- ✓ افلاطون و هگل، هر دو آرمانگرا بودند اما افلاطون در سلک دوگانه‌گرایان قرار دارد در حالی که هگل، یک وحدت‌نگر است.
- ✓ داروین، وگت، بوخنر و مولشت هم ماده‌گرا بودند و هم طرفدار پدیده همانندی.
- ✓ تقسیم وحدت‌گرایی و دوگانه‌گرایی جدا از مسائل شناخت‌شناسی بوده و نه با تقسیم دوگانه ذهن‌گرا - واقع‌گرا هماهنگ است و نه با تقسیم تجربه‌گرا - عقل‌گرا.
- ✓ آیر و کوئین تجربه‌گرا هستند ولی آیر دوگانه‌نگر و کوئین فیزیک‌گرا است.
- ✓ پوپر و اسمارت واقع‌گرا هستند در حالی که پوپر دوگانه‌نگر و اسمارت وحدت‌گرا است.
- ✓ بیشتر فلسفه‌های روان، مجمل‌اند و در نتیجه، دستخوش تضادهای هرمنوتیک مبهم و بی‌پایان هستند.
- ✓ ارسطو از سویی دیدگاه آرمان‌گرایی و فطری‌نگری افلاطون را به نقد کشیده و از طرف دیگر بدن را با ارواح حیوانی پر کرده و به وجود ذوات ماورای طبیعی معتقد می‌شود.
- ✓ لنین که خود را یک ماده‌گرا می‌داند، زمانی که به مسئله تن - روان می‌رسد، دچار لغزش می‌شود.
- ✓ تاثیر لنین بر فلسفه امروز مارکسیستی چنان است که در میان ملتی که فلسفه مارکسیست - لنینیست رایج است، دوگانه‌گرایی روان - فیزیکی مشهورترین فلسفه روان به شمار می‌آید.

- ✓ براساس دیدگاه ۳ جهانی پوپر، واقعیت از ۳ جهان ترکیب شده است: جهان یک (فیزیکی)، جهان دو (تجربه ذهنی) و جهان سه (فرهنگ). جهان اول، مادی بوده و جهان دوم، غیر مادی و جهان سوم، مجموعه‌ای از اشیای مادی مانند کتاب‌ها و امور غیرمادی مانند محتوای کتاب‌هاست.
- ✓ جهان اول و دوم در تعامل با یکدیگرند و جهان سوم، محصولی از جهان دوم بوده که بر همان جهان نیز واکنش متقابل دارد.
- ✓ ماده‌گرایی حدوثی برخلاف دوگانه‌گرایی و وحدت‌گرایی آرمانگرا، وجود امر غیرمادی را که خود به معنای وجود استثنائی در قانون طبیعت و یک امر غیر قابل تجربی است نمی‌پذیرد.
- ✓ ماده‌گرایی حدوثی برخلاف دوگانه‌گرایی و وحدت‌گرایی آرمانگرا، روانشناسی را در چارچوب علم حفظ می‌کند و از تشویق آن جهت برگشت به کلام یا فلسفه جلوگیری می‌کند.
- ✓ ماده‌گرایی حدوثی برخلاف ماده‌گرایی حذف‌نگر و فیزیک‌گرا و یا ماده‌گرایی عامیانه، ویژه بودن امور روانی را می‌پذیرد.
- ✓ شرط لازم برای معنادار بودن یک فلسفه روان، این است که بجای اینکه حاصل تلاشی منفرد باشد، فصلی از یک جهان‌بینی یا هستی‌شناسی جامع، روشن و پایدار باشد.
- ✓ شرط لازم برای اینکه هستی‌شناسی بخواند بینشی سودمند ایجاد کند و برای دانشمندان جذاب باشد، این است که بجای اینکه با علم معاصر بی‌ارتباط باشد، با آن هماهنگ گردد.
- ✓ برتری وحدت‌گرایی روان عصبی در این است که این دیدگاه از بی‌دقتی و ابهام موجود در دوگانه‌گرایی به دور است.

### فرضیه‌های این همانی:

- ✓ فلسفه‌ای که اساس تحقیقات فیزیولوژیک را تشکیل می‌دهد، ماده‌گرایی بوده که براساس آن، تمام اشیای واقعی، مادی یا عینی هستند.
- ✓ فلسفه ماده‌گرایی روان در نظریه این همانی خلاصه می‌شود.
- ✓ فرضیه این همانی اعلام می‌دارد که همه پدیده‌های روانی، همان رویدادهای مغزی و یا مساوی با آنهاست.
- ✓ فرضیه این همانی قوی (حدوثی) بیان می‌دارد که پدیده‌های ذهنی، حوادث خاص عصبی بوده که در برخی از زیرمجموعه‌های مغز تحقق یافته و با صرف تکیه بر منابع فیزیکی و شیمیایی قابل تبیین نیستند.
- ✓ فرضیه این همانی ضعیف (برابرگرایی) بیان می‌دارد که پدیده‌های ذهنی دقیقا همان حوادث صرفا فیزیکی و شیمیایی است که در مغز تحقق می‌یابد.
- ✓ قرائت قوی فرضیه، در بر دارنده قرائت ضعیف آن نیز هست.
- ✓ هر دو قرائت فرضیه، کاهش‌گرا بوده با این تفاوت که روایت ضعیف، فیزیک‌گرا و روایت قوی، زیست‌گرا بوده چون معتقد است روان، نوع بسیار خاص فرآیند زیستی بوده و بشدت تحت تاثیر شرایط اجتماعی قرار دارد.
- ✓ اموری که از کیفیت نو (حدوث) برخوردار باشند، در واقع نتیجه فرآیند ترکیب یا جانشین‌سازی یا فرآیند تحولی هستند که در طی آن، گونه‌ها و انواع ایجاد می‌گردد.
- ✓ برابرگرایان (معتقد به روایت ضعیف) از یافتن فرآیندهای روانی در نوروهای منفرد و یا در بی‌مهرگان عاجزند.

- ✓ حدوث گرایان (معتقد به روایت قوی) فرآیندهای روانی را در ترکیب‌های سلولی بزرگ مغز مهره‌داران تکامل یافته جستجو می‌کند.
- ✓ برابرگرا راه بسوی تاریک‌اندیشی داشته و باعث آسیب به علم می‌گردد نه حدوث گرا.
- ✓ هدف روان‌زیست‌شناسان به ویژه روانشناسان فیزیولوژیکی، معرفی سیستم‌های عصبی است که یا رفتار را کنترل می‌کنند یا فعالیت خاص آنها، روانی می‌باشد.
- ✓ روان‌زیست‌شناسان با ثبات، هرگز در جستجوی همبستگی‌ها، معادل‌ها، خادم‌ها، تجسم و یا بازنمایی عصبی فرآیندهای ذهنی نیستند چون سخن از دوگانه‌گرایی است.
- ✓ روان‌زیست‌شناسان برآنند تا سیستم‌های عصبی را کشف کنند که عینا فعالیت‌های روانی یا رفتاری را انجام می‌دهند.
- ✓ تفکر، معادل یک فرآیند مغزی خاص نیست بلکه عین همان است و ما یک سیستم عصبی که خادم تصمیم‌گیری بوده یا تصمیم‌گیری را در خود منتقل کرده باشد، نداریم بلکه تصمیم‌گیری، همان فعالیت یا عملکرد خاص برخی سیستم‌های عصبی است.

## ۱۰ فلسفه معروف روان به روایت زیر هستند:

۱. این همانی قوی (حدوثی): پدیده‌های ذهنی، عصبی هستند.
۲. این همانی ضعیف (برابرگرایی): پدیده‌های ذهنی، فیزیکی هستند.
۳. توازی‌گرایی: هر پدیده ذهنی با یک رویداد عصبی همراه است.
۴. همانندی (پدیده زادگرایی): پدیده‌های ذهنی، معلول رویدادهای عصبی است.
۵. جاندارپنداری: پدیده‌های ذهنی، علت رویدادهای عصبی یا فیزیکی هستند.
۶. تعامل‌گرایی: پدیده‌های ذهنی، علت یا معلول رویدادهای عصبی یا فیزیکی هستند.
۷. استقلال‌گرایی: پدیده‌های ذهنی و عصبی ربطی به همدیگر ندارند.
۸. روح‌گرایی: همه چیز ذهنی است.
۹. ماده‌گرایی حذفی: هیچ چیز ذهنی نیست.
۱۰. وحدت‌گرایی بی‌طرف: رویدادهای ذهنی و فیزیکی، مظاهر مختلف عنصری بی‌طرف و ناشناختی‌اند.

- روشن‌ترین دیدگاهی فوق عبارتند از این همانی، توازی‌گرایی، استقلال‌گرایی، آرمان‌گرایی و ماده‌گرایی.
- پدیده زادگرایی، جاندارپنداری و تعامل‌گرایی دارای ابهام بوده چون نوع تعلیل و سازوکار آن مشخص نیست.
- از همه مبهم‌تر، دیدگاه وحدت‌گرایی بی‌طرف است که مفاهیم مبهم ظهور یا تجلی را مطرح ساخته و ادعا دارد که ماده و روان، منشا ناشناخته دارند.
- هیچکدام از پدیده‌های پدیده زادگرایی، جاندارپنداری، تعامل‌گرایی و وحدت‌گرایی بی‌طرف بدلیل ابهام خود، در موقعیتی نیستند که انگیزه تحقیقات روانشناسی شوند.
- هدف روان‌زیست‌شناسی این است که فرمول‌های این همانی را تبیین کند.

- ◀ توازی‌گرایی هیچگونه پیشنهادی برای تبیین چگونگی رابطه میان رویدادهای بدنی و روانی ارائه نمی‌دهد.
- ◀ استقلال‌گرایی منکر هرگونه رابطه میان پدیده‌های روانی و فیزیکی و رویکردی منفی‌گرا بوده که هرگونه تحقیق درباره مسئله تن - روان را متوقف می‌کند.
- ◀ ماده‌گرایی حذفی با انکار رویدادهای روانی، همان را استقلال‌گرایی را پیموده و تحقیقات روانشناختی را کاملاً بی‌فایده و بی‌معنی معرفی می‌کند.
- ◀ آرمان‌گرایی، دیدگاه مثبتی بوده ولی با علوم مربوط به امور واقعی سر و کار ندارد.
- ◀ فرضیه این همانی قوی (حدوثی) عضو اصلی جهان‌بینی خاصی بوده که مورد حمایت علم واقعی قرار گرفته است یعنی دیدگاه ماده‌گرایی.
- ◀ در مقابل ماده‌گرایی، آرمان‌گرایی یا روح‌گرایی بوده که براساس آن همه موجودات، مجرد هستند.
- ◀ دیدگاه متضاد با ماده‌گرایی، تجردگرایی بوده که معتقد است برخی امور واقعی، مجرد (یا ذهنی) است.
- ◀ دیدگاه متضاد با آرمان‌گرایی یا روح‌گرایی، ناآرمان‌گرایی بوده که بر آن است بعضی امور واقعی، مادی هستند.
- ◀ میان تجردگرایی و ناآرمان‌گرایی، تضادی وجود نداشته و دوگانه‌گرایی روان‌تنی، هر دو را به هم پیوند می‌دهد.

### پیش‌فرض‌های فلسفی تحقیقات علمی:

- ✓ روانشناسی فلسفی، با کمک ابزار صرفاً فلسفی به بررسی مشکلات رفتاری و روانی پرداخته و فقط نظری و براساس یافته‌های فکری بوده و با روانشناسی تجربی بیگانه است.
- ✓ روانشناسی معروف به انسان‌گرایی، در واقع ادامه روانشناسی فلسفی سنتی بوده که آزمایش و مدل‌پردازی ریاضی را در خود راه نمی‌دهد.
- ✓ تفاوت روانشناسی انسان‌گرا و فلسفی در آنست که روانشناسان انسان‌گرا همانند روانکاوان با بیمار روبرو بوده در حالی که همتایان فلسفی آنها، با کتاب سروکار دارند.
- ✓ شباهت روانشناسی انسان‌گرا و فلسفی در آنست که هر دو باور دارند که روانشناسی نمی‌تواند تجربی و ریاضی باشد یعنی روانشناسی شاخه‌ای از انسان‌شناسی بوده و به علم مربوط نمی‌شود.

### ۳ اصل فلسفی که پیش‌فرض تحقیقات علمی بوده عبارتند از:

۱. هیچ چیزی از عدم بوجود نمی‌آید و هیچ موجودی معدوم نمی‌شود.
  ۲. ما قادر به شناخت جهان، اگرچه در حدی جزئی و بطور تدریجی هستیم.
  ۳. شما، اطلاعات خود را دستکاری نکرده و در محاسبات تقلب نمی‌کنید.
- ◀ این اصول که مجموعه‌ای از اصول مربوط به هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و اخلاق است، بعنوان زمینه فلسفی، نگرش عمومی یا جهان‌بینی یاد می‌کنیم.
  - ◀ این ادعا که تحقیقات علمی متضمن اصول فلسفی است، ادعایی صرفاً توصیفی نبوده بلکه ادعایی دستوری است.

## فلسفه‌های روانشناسی:

- ✓ فلسفه روانشناسی، مطالعه فلسفی روانشناسی است.
- ✓ فلسفه را زمانی مدرسه‌ای می‌نامند که دارای هیچ دیدگاه جدیدی نبوده، بویژه در مقام توجیه باشد.
- ✓ اگر یک فلسفه ارائه‌دهنده راه حل‌های جایگزین نباشد، آن را صرفاً انتقادی یا ویرانگر می‌نامند.
- ✓ روشی که در فلسفی کردن به روشنگری، ارتباط، حقیقت و فعال بودن بینجامد، روشی است که انتقاد و دقت را باهم در آمیزد و نظم را با تحقیقات و آزمایش‌های رایج همراه سازد.
- ✓ دلیل عدم رشد روانشناسی و فلسفه تا حدی ناشی از افکار تعصب‌آمیزی همچون دوگانه‌گرایی روان عصبی و باور به کفایت زبان متداول در فلسفه و روانشناسی است.
- ✓ کاربرد انتقاد به معنای تنظیم تحقیقات و نه از بین بردن آنها و نشستن بجای آنهاست.
- ✓ نقش انتقاد برای پیشبرد دانش همچون نقش ترموستات برای کوره و دیگ بخار است.
- ✓ دقت و پیروی از استانداردهای ریاضی به ۳ دلیل الف) فروکاستن از سوء تفاهمات و اختلافات هرمنوتیک، ب) قابلیت تست و آزمون پذیری و ج) ژرف‌نگری باید افزایش یابد.
- ✓ یک نمونه بارز از ناقص بودن اندیشه افتراق‌گرا، روانشناسی قوای ذهنی بوده که تعامل میان اجزای شناختی، عاطفی و حرکتی پدیده‌های روانی را به فراموشی می‌سپارد.



## فصل دوم: موضوع روانشناسی چیست؟

- علم فیزیک، کهن‌ترین و بارزترین رشته علوم عینی بحساب می‌آید.
- برخی معتقدند که نظریه کوانتوم هنگامی قابل درک و فهم است که ذهن انسان را نیز در بر گیرد که در اینصورت، روانشناسی و فیزیک بشدت باهم مرتبط خواهند بود.
- اگر روانشناسی را علم مطالعه هوشیاری تعریف کنیم، درون‌نگری بر همه روش‌های دیگر ترجیح داده می‌شود.
- اگر روانشناسی را به علم بررسی رفتار آشکار معرفی کنیم، تنها رفتارهای مشاهده‌پذیر قابل بررسی خواهد بود.
- روش کهن روانشناسی که در محیط فلسفه کلاسیک (قدیم) شکل گرفته، بسیار قوی است.
- یادگیری، همان تقویت ارتباط بین نورونی است با استفاده از تجزیه و تحلیل.

### تعریف‌های روانشناسی:

- ✓ روانشناسی از نظر ریشه‌شناختی، تبیین‌کننده مطالعه روان، نفس، روح و یا ذهن است.
- ✓ برداشت فوق، برداشت روانشناسان سنتی و متکلمان از موضوع روانشناسی است.
- ✓ برخی روانشناسان در پیروی از راه و روش سنتی و بخصوص جیمز، دیویی و پیازه، روانشناسی را مطالعه کنش‌های روان می‌دانند.
- ✓ اصطلاح فوق مبتنی بر آنست که که روان، یک شی موجود است.
- ✓ در فضای روان زیست‌شناختی که در آن، روان به معنای مجموعه کنش‌های مغزی بحساب می‌آید، اصطلاح کنش‌های روان به معنای کنش‌های مجموعه‌ای از کنش‌های مغزی خواهد بود.
- ✓ رفتارگرایان افراطی، روانشناسی را علم بررسی علمی رفتار مشهود تعریف می‌کنند.
- ✓ برای یک رفتارگرا، روانشناسی همچون انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست، تاریخ و زبان‌شناسی در زمره علوم رفتاری است.
- ✓ رفتار حیواناتی که فاقد یک نظام عصبی هستند، مورد توجه روانشناسان نمی‌باشد.
- ✓ تنها حیواناتی موضوع کار روانشناسان هستند که قادر به ادراک حسی و یادگیری بویژه توانایی یادگیری برای تغییر رفتار در یک روش انطباقی با محیط باشند.
- ✓ بررسی رفتار حیواناتی که فاقد قدرت ادراک و یادگیری هستند، مربوط به جانورشناسان و کردارشناسان است.

### موضوع روانشناسی:

- ✓ برخی از بی‌مهرگان نظیر زنبور و اختاپوس، قدرت یادگیری دارند.
- ✓ تمام حیواناتی که در رده‌های بالای مهره‌داران هستند بویژه پستانداران و پرندگان، بی‌تردید قدرت یادگیری دارند.
- ✓ کار اصلی روانشناسان اجتماعی این است که رفتار اجتماعی، شرایط اجتماعی یادگیری و کنش‌های روانی و نتایج غیرمستقیم اجتماعی اندیشه‌سازی را بررسی کنند.
- ✓ قانون توجه روانشناسی فردی یا اجتماعی، فرد در محیط طبیعی و اجتماعی است نه جامعه.

- ✓ دانشمندان علوم اجتماعی هستند که جوامع را مطالعه می‌کنند نه روانشناسان.
- ✓ موضوع اصلی زمین‌شناسی، قسمت‌های سختِ کره یعنی سنگ‌کره است نه جو زمین.
- ✓ موضوع اصلی روانشناسی، افراد حیوانی بوده که دارای قدرت یادگیری هستند.
- ✓ مطالعه روانشناسی بین فرهنگی در جهت کشف تاثیر پیشرفت اجتماعی بر رفتار و اندیشه‌های فردی، کار درستی است.
- ✓ روانشناسی در مرحله نخست، یک دانش زیست‌شناختی و در مرحله بعد، یک علم اجتماعی است.
- ✓ مصادیق اصلی روانشناسی، حیواناتی هستند که دارای ادراک حسی و قادر بر یادگیری باشند.

### از هم پاشیدگی روانشناسی و راه ترمیم آن:

- ✓ اتخاذ یک فلسفه زیربنایی واحد که به روح علمی نزدیکتر باشد، تنها راه غلبه بر تجزیه به مکاتب هم‌اورد است.
- ✓ تمام نقش‌های رفتاری و ذهنی را سیستم عصبی ایفا می‌کند.
- ✓ روانشناسی باید کاملاً بر بنیان‌های علوم عصبی بنا نهاده شود.

### وحدت (جدا ناپذیری) عملکردها:

- ✓ پدیده‌های روانشناختی، اموری ممتزج و مخلوط‌اند یعنی همه آنها دارای ابعاد رفتاری، حسی و شناختی هستند.
- ✓ همه پدیده‌های روانشناختی، فرآیندهایی هستند که یا در یک سیستم عصبی رخ می‌دهند و یا بوسیله آن کنترل می‌شوند.

### اهداف روانشناسی:

- ✓ اهداف روانشناسی پایه مانند اهداف سایر علوم پایه نظیر توصیف، تبیین علی، پیش‌بینی واقعیاتی هستند که موضوع مطالعه‌اند.
- ✓ روانشناسی علمی در مقایسه با سایر انواع روانشناسی، به دقت بیشتری نیاز دارد چون توصیف‌ها عینی، تبیین‌ها معتبر و پیش‌بینی‌ها صحیح و درست است.
- ✓ زمانی به یک تشریح و توصیف، عینی گفته می‌شود که بیان تقریباً درستی از ماهیت واقعیت‌ها داشته باشد نه اینکه افسانه‌پردازی کند.
- ✓ یک تبیین علی هنگامی معتبر است که با استدلال قوی به بررسی فرضیه‌های قطعی و داده‌های یقینی بپردازد.
- ✓ استدلال معتبر، استدلالی بوده که در آن براساس قوانین منطق قیاسی، مجموعه‌ای از قضایا از دسته دیگری از قضایا استنباط شود.
- ✓ استدلال‌های غیر قیاسی مانند تمثیل و استقرا، گاهی مفیدند اما فاقد اعتبار رسمی هستند زیرا قواعد کلی و جامعی برای استنتاج‌های تمثیلی و استقرایی وجود ندارد.
- ✓ پیش‌بینی علمی در صورتی صحیح است که افزون بر آنکه استدلالی معتبر از مفروضات قطعی و داده‌های یقینی باشد، حتماً ناشی از مشاهده و آزمایش باشد.
- ✓ جنبش ضد علمی و فیلسوفان مدعی هستند چون به واقع بین علم و غیر علم تفاوتی نیست، چه بسا هیچ عینیتی در علم نباشد.

- ✓ نخستین اهتمام فن‌آوران، به منظور کنترل و باز طراحی واقعیت است.
- ✓ در پژوهش‌های پایه، جریان از فرد (اجزا) به نوع پایدارتر (قوی‌تر) بوده در حالی که در علوم کاربردی، جریان برعکس است.
- ✓ در علوم کاربردی، طرح‌های کلی، ابزاری برای فهم و درمان شخص است.
- ✓ پوزیتویست‌ها (اثبات‌گرایان) سنتی از کنت تا حلقه وین، ارزش کمتری برای تبیین قائل بوده ولی از توصیف، تجلیل می‌کنند.
- ✓ رفتارگرایان اولیه، نیز مدعی هستند تنها قلمروی روانشناسی، توصیف رفتار مشهود و کشف روابط ثابت محرک - پاسخ است.
- ✓ پیش‌بینی، تبیین و حتی توصیف، بهترین شکل خود را بوسیله نظریه‌ها پیدا می‌کنند.
- ✓ یک دستگاه فرضی - قیاسی (نظریه‌ها) شامل مجموعه‌ای از قضایاست که هر کدام از آنها، یا یک فرضیه اولیه‌اند یا یک اصل موضوع یا یک نتیجه قیاسی غیرمستقیم و یا چند اصل موضوع.
- ✓ موضوع، امور توصیف شده بوده و محمول، خصوصیات و روابط را معین می‌کند.
- ✓ هر مجموعه‌ای از گزاره‌ها که در موضوع و محمول مشترک باشند، می‌توانند بعنوان یک نظریه سازمان یابند.
- ✓ نظریه‌ای ارزشمندتر است که از قوت و عمومیت بالا و همراه با صحت، عمق و دقت کافی برخوردار باشد.
- ✓ نظریه A در صورتی از نظریه B قوی‌تر است که B تابعی از A باشد.
- ✓ نظریه A بشرطی عمومیت بیشتری از نظریه B دارد که موضوعات مجموعه A شامل موضوعات B هم بشود.
- ✓ نظریه A هنگامی از نظریه B دقیق‌تر است که ریاضیات بیشتری را بکار برده باشد.
- ✓ نظریه A زمانی از نظریه B عمیق‌تر است که هر قدر B تبیین کند، A نیز تبیین کند ولی نه بالعکس.
- ✓ نظریه A زمانی صحت بیشتری از نظریه B دارد که پیش‌بینی و بازپس‌گویی‌های آن درست‌تر از نظریه B باشد.
- ✓ دلایل کم بودن نظریه‌های کامل در روانشناسی معاصر عبارتست از الف) وجود پیش‌داوری‌ها و تعصبات واهی در مقابل نظریه‌ها، ب) جهت‌گیری ضد نظریه‌ای فلسفه اثبات‌گرا که از رفتارگرایی افراطی، تفکیک‌ناپذیر است و ج) ضعف آموزش‌های ریاضی.
- ✓ یک فرضیه یا نظریه هنگامی دارای اعتبار بوم‌شناختی است که مسائل مربوط به مردم واقعی در شرایط و محیط عادی و طبیعی آنها را بررسی کند.
- ✓ اگر یک نظریه از بیشتر پدیده‌های طبیعی چشم‌پوشد و تنها به شرایط تصنعی (آزمایشگاهی) مراجعه کند، فاقد اعتبار بوم‌شناختی خواهد بود.
- ✓ بیشتر روانشناسان در مسئله عشق و محبت افراد بالغ و نوجوان، بر مولفه‌های جنسی آن بیشتر توجه کرده‌اند.
- ✓ هدف پژوهش‌های کاربردی و عملی، اثربخش بودن و بازدهی و بهره‌وری خوب داشتن است.
- ✓ اثربخش بودن یعنی توانایی تولید مداوم و ثابت نتایج دلخواه مانند کمک به عقب‌افتاده‌های روانی.
- ✓ بهره‌وری یعنی اثربخش بودن همراه با هزینه کم مانند رفتار درمانی در درمان برخی اختلالات مثل اعتیاد و هراس.
- ✓ X در روانشناسی آنگاه دارای اعتبار هستی‌شناختی است که به بررسی حیوانات واقعی و یا ابزار مطالعه آنها بپردازد.

✓ X در یکی از حالات زیر اعتبار روش شناختی دارد: الف) یک روش و یا طرح قابل درک و توجیه پذیر باشد، ب) داده یا پیش بینی به کمک روش و طرح شرط الف بدست آمده باشد و ج) نظریه ای باشد که بوسیله دو شرط قبلی آزمایش شده باشد.

✓ X بشرطی اعتبار حقیقت شناختی دارد که یک داده، پیش بینی، فرضیه یا نظریه بوده که بواسطه استفاده از موارد اعتبار روش شناختی، به حد کافی صادق و درست باشد.

✓ X بشرطی دارای اعتبار بوم شناختی است که بجز پژوهشگران خاص، مورد توجه افراد دیگر و همچنین مرتبط با شرایط زندگی واقعی باشد.

✓ X هنگامی اعتبار کاربردی دارد که هم بازدهی مناسب داشته باشد و هم موثر و نتیجه بخش باشد.

## فصل سوم: رویکردهایی به رفتار و روان

◀ سنت عقیم روانشناسی، همان سنت روانشناسی فلسفی است که جدا از زیست‌شناسی و بیگانه با تجربه و ریاضیات بوده و در امکان بدست آوردن الگوهای عمومی رفتار و فعالیت‌های روانی تردید دارد.

### رویکرد:

- ✓ رویکرد در معنای غیر دقیق و استعاره‌ای، نحوه توجه کردن به اشیا یا نظرات و چگونگی برخورد با مسائل مربوط به آنهاست.
- ✓ ۸ رویکرد کلی نسبت به مطالعه و برخورد با اشیا و نظرات عبارتند از عامیانه، تجربی، مکتبی، انسان‌گرایانه، ریاضی، علمی، کاربردی و فن‌آوری.
- ✓ رویکرد عامیانه متکی بر دانش عادی و هم با مسائل بنیادین و هم با مسائل علمی درگیر بوده و به نتایج عملی علاقه‌مند است.
- ✓ شیوه‌های زندگی روزمره به ویژه راه‌های معمول و روش کوشش و خطا را بکار می‌گیرد.
- ✓ پایه رویکرد تجربی هم دانش عادی و هم دانش بدست آمده در جریان یک هنر یا حرفه بوده و صرفاً با مسائل علمی درگیر است.
- ✓ این رویکرد، منحصر به نتایج عملی علاقه‌مند بوده و شیوه‌ها را هم از زندگی روزمره و هم از کار حرفه‌ای و هنری اتخاذ می‌کند.
- ✓ رویکرد مکتبی بر مجموعه عقاید مشخصی مبتنی بوده که هم با مسائل بنیادین و هم با مسائل علمی درگیر بوده و در درجه اول به مسائل عملی علاقه دارد.
- ✓ این رویکرد در مقام دفاع از مسائل، به منابع خدشه‌ناپذیر و نقد و بحث و استدلال متوسل می‌شود.
- ✓ رویکرد انسان‌گرایانه بر مجموعه‌ای از دانش مربوط به فرهنگ انسانی مبتنی بوده و به مسائل معرفی مربوط به مسائل عقلی و هنری می‌پردازد.
- ✓ هدف رویکرد انسان‌گرایانه، درک منابع آن است و عمدتاً روش‌های اکتشافی را بکار می‌گیرد.
- ✓ ویژگی رویکرد ریاضی، مبانی و مسائل صوری آن، جستجوی الگوها و ارائه نظریه‌ها و همچنین روش‌های مفهومی به ویژه روش اثبات صوری آن است.
- ✓ رویکرد علم پایه، بر سرمایه دانش ریاضی و آزمایشی و نیز جهان‌بینی علمی آن متکی است.
- ✓ این رویکرد به مسائل بنیادی پرداخته و هدف آن، فهم و پیش‌بینی حقایق در سایه قوانین و داده‌ها بوده و روش آن، علمی است.
- ✓ رویکرد علوم کاربردی در مبنا و روش‌ها با رویکرد علوم بنیادی شریک است با این تفاوت که به مسائل اساسی خاصی محدود است و هدف آن، تهیه بخشی از مبانی شناختی فن‌آوری است.
- ✓ رویکرد فن‌آورانه شبیه رویکرد علم کاربردی بوده ولی پایه آن، در بر گیرنده سرمایه دانش فن‌آوری هم هست. مسائل آن علمی بوده و هدف آن، مهار نظام‌های طبیعی و نیز طراحی نظام‌های مصنوعی است.

✓ رویکرد A عبارتست از مجموعه‌ای دانش زمینه (B) به همراه مجموعه‌ای از مسائل، رشته‌ای از اهداف و مجموعه‌ای از روش‌ها.

### جزءنگری، کل‌نگری و نظام‌نگری:

- ✓ هر رویکردی، متنی بر توده‌ای از دانش پیشین است.
- ✓ رویکرد جزءنگرانه (فرد نگرانه یا تحلیلی) از سویی بر هستی‌شناسی جزءنگرانه که طبق آن جهان حاصل جمع واحدهایی از چند نوع محدود است و از سوی دیگر بر معرفت‌شناسی کاهش‌گرایانه مبتنی بوده که بر حسب آن، برای شناختن یک کل، آگاهی از ترکیب کل، هم ضروری و هم کافی است.
- ✓ اهداف رویکرد جزءنگرانه با اهداف علم یکسان بوده و روش در این رویکرد، تجزیه به کل اجزا است.
- ✓ روانشناسی تداعی‌گرا و روانشناسی قوای ذهنی، نمونه‌هایی از این رویکرد است.
- ✓ رویکرد کل‌نگرانه (ترکیبی) مبتنی بر هستی‌شناسی کل‌نگرانه یا سازواره‌ای (ارگانیسمیک) است.
- ✓ اساس رویکرد فوق این است که جهان، یک کل نظام‌مند بوده که ممکن است به کل‌های بزرگی تجزیه شده که آنها دیگر قابل تجزیه بیشتر نیستند.
- ✓ این هستی‌شناسی همراه یک معرفت‌شناسی شهودی ارائه شده که بنا بر آن، کل‌های نهایی را باید به همین گونه بپذیریم و درک کنیم.
- ✓ هدف کل‌نگری، تاکید و حفظ یکپارچگی و حدوث بوده و روش آن، اغلب شهود است و به عقل یا تجربه کاری ندارد؛ دیدگاهی که مغز را یک کل تفکیک‌ناپذیر می‌داند.
- ✓ روانشناسی گشتالت، نمونه‌ای از این رویکرد است.
- ✓ رویکرد نظام‌نگر (سیستمی) از سویی مبتنی بر هستی‌شناسی نظام‌نگرانه که جهان را نظامی متشکل از خرده نظام‌هایی می‌داند که به سطوح مختلف متعلق‌اند و از سوی دیگر، بر معرفت‌شناسی‌ای مبتنی است که برای فهمیدن نحوه تشکیل سیستم‌ها، که ارتباط آنها، اجزای آنها و تعامل میان این اجزا و محیط، به تلفیق عقل و تجربه دست می‌زند.
- ✓ اهداف رویکرد نظام‌نگر، همانند اهداف علم و فن‌آوری، توصیف، فهم، پیش‌بینی و مهار است.
- ✓ روش‌های این رویکرد مشتمل بر تجزیه و ترکیب، تعمیم و سازماندهی و آزمون تجربی است.
- ✓ نمونه‌ای از این رویکرد، آن است که مغز را نظامی مرکب از خرده نظام‌هایی می‌داند که کنش متقابل داشته و می‌گوید: هر فرآیند روانی، اجزای عاطفی و شناختی و نیز همانندهای حسی - حرکتی، احشایی و درون‌ریز دارد.
- ✓ رویکرد جزءنگر فقط می‌تواند پرسش‌های مربوط به رفتار فردی را پاسخ گوید.
- ✓ مجموعه مسائل رویکرد کل‌نگر محدود بوده و به یافتن اموری مانند جزئیات زنجیره طویل رویدادهایی که محرک بینایی به راه انداخته و به تصویر ذهنی منتهی می‌شود، علاقه‌مند نیست.
- ✓ رویکرد نظام‌نگر، جنبه‌های مثبت جزءنگری و کل‌نگری را حفظ کرده و هم کل و هم اجزای آن را بررسی کرده و وقوع پدیدآیی یا چیز نوظهور کیفی و نیز امکان تبیین آن را می‌پذیرد.
- ✓ رویکرد نظام‌نگر، بیشترین تناسب را با رویکرد علمی دارد.

- ✓ رویکرد علمی، در بر گیرنده رویکرد نظام‌نگر نیز هست.
- ✓ تنها رویکرد نظام‌نگر است که حق هر سه جنبه ترکیب، محیط و ساختار را ادا می‌کند.
- ✓ رویکرد جزءنگر تنها به بر ترکیب تکیه کرده و از محیط و ساختار غافل است.
- ✓ محیط‌نگری نیز تنها به محیط توجه می‌کند.
- ✓ ساختارنگری، هم ترکیب و هم محیط را نادیده می‌گیرد.
- ✓ رویکرد نظام‌نگر دارای دو مزیت است: الف) برای بررسی نظام‌ها در همه سطوح لازم ما را آماده می‌کند و ب) محقق نظام‌نگر تمایل به اتخاذ رویکردی میان رشته‌ای پیدا می‌کند.
- ✓ جزءنگری ما را به پایین‌ترین سطوح و کل‌نگری ما را به بالاترین سطوح می‌رساند.
- ✓ رویکرد نظام‌نگر برای درک اشیای بسیار پیچیده‌ای که در محیط‌های فوق‌العاده پیچیده و به سرعت متغیر هستند نظیر بلورهای یخ، ابرها، سلول‌های عصبی و کل حیوانات یا جوامع ضروری است.

### رویکرد غیر علمی به روانشناسی:

- ✓ محصول رویکرد عامیانه به رفتار، عاطفه و شناخت، همان چیزی است که روانشناسی عامیانه (قومی) نامیده شده است.
- ✓ روانشناسی قومی اغلب می‌تواند نقطه آغاز پژوهش روانشناختی باشد.
- ✓ هدف عمده روانشناسی، شرح و بسط، تعمیق و تصحیح و تبیین روانشناسی قومی و نیز برخی از بینش‌هایی است که در آثار بزرگ هنری به چشم می‌خورد.
- ✓ رویکرد تجربی (نه آزمایشی) به روانشناسی بالینی کلاسیک و روانپزشکی انجامیده است.
- ✓ زمینه‌های فوق در اصل، مجموعه‌ای از مطالعات موردی، تعمیم تجربی و حدسیات آزمون نشده بدون ارتباط با علم اعصاب یا روانشناسی آزمایشی هستند.
- ✓ رویکرد مکتبی بصورت نزدیک به ۲۰۰ مکتب روان‌درمان‌گری کلامی که یکی پس از دیگری بوجود آمده، رخ نموده است.
- ✓ این مکاتب حاصل پژوهش نبوده بلکه نتیجه گمانه‌زنی‌ها و بحث‌های غیرعلمی هستند.
- ✓ پیامد رویکرد انسان‌گرایانه به روانشناسی نیز همان روانشناسی انسان‌گرایانه است.
- ✓ رویکرد انسان‌گرایانه در واقع ترکیبی از رویکردهای عامیانه، تجربی و مکتبی است و هر حقیقت یا تاثیری که احتمالاً در روانشناسی انسان‌گرایانه یافت شود، ناشی از روانشناسی قومی و تجربی است.
- ✓ مردم‌پسندی فعلی روانشناسی قومی از سویی به میزان زیاد اعتبار بوم‌شناختی آن و از سوی دیگر معلول آن است که این رویکرد، خواسته‌های نظری کمی را از طرفدارانش تقاضا دارد.
- ✓ بیشتر فیلسوفان روان، توجه خود را به روانشناسی قومی، روانشناسی مکتبی (بویژه روان‌تحلیل‌گری) و روانشناسی انسان‌گرایانه منحصر می‌کنند.
- ✓ روانشناسی انسان‌گرایانه ادعا می‌کند که روان برخلاف جسم، بی‌قانون است که در برخی فلسفه‌های آرمان‌گرایانه بویژه فلسفه کانت قابل مشاهده است.
- ✓ قانون‌یابی، بخشی از تعریف مفهوم تحقیق علمی است.

✓ به محض اینکه حوزه‌ای از حقایق قانون‌ناپذیر اعلام گردد، از دسترس علم خارج شده و در قلمروی اسطوره‌شناسی یا مذهب قرار می‌گیرد.

✓ در سال‌های اخیر، تعداد زیادی روانشناسی فلسفی ظهور کرده که بیشتر آنها بطور ضمنی یا آشکار، دوگانه‌نگر بوده‌اند.

### **بسوی روانشناسی علمی:**

✓ سه رویکرد ذهن‌گرا، رفتارگرا و زیست‌شناخت کوشیده‌اند روانشناسی را از یکی از شاخه‌های فلسفه به علم تبدیل کنند.

✓ رویکرد ذهن‌گرا حاصل فلسفه‌های آرمان‌گرایانه ذهن بوده که پدیده‌های روانی را فی حد ذاته، بدون هیچگونه مراجعه به زیست‌شناسی بررسی می‌کند.

✓ این رویکرد معمولاً همراه با برخی فلسفه‌های آرمان‌گرای ذهن می‌آید.

✓ التزام به یک شیوه یا روش دیگر، تنها هنگامی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود که کسی بخواهد یافته‌های پژوهش را تبیین کند.

✓ رویکرد رفتارگرا تا جدی به منزله واکنشی در مقابل ذهن‌گرایی بویژه در برابر سوءاستفاده‌های جاری از درون‌نگری و تاملاتی که روانشناسان ذهن‌گرا مطرح کرده بودند، شکل گرفت.

✓ رفتارگرایان، تعریف روانشناسی به مطالعه روان را رد می‌کنند.

✓ رفتارگرایان تمایل دارند بعنوان پژوهشگران رفتار حیوان و انسان شناخته شوند.

✓ اثبات‌گرایی، انگیزه‌ای قوی برای رفتارگرایی است.

✓ رفتارگرایان علاقه‌ای به مسئله تن - روان ندارند.

✓ رویکرد زیست‌شناختی به روانشناسی نیز نوعی گسترش در راهکارهای ذهن‌گرایانه و رفتارگرایانه است زیرا هم به فرآیندهای روانی و هم به فرآیندهای رفتاری می‌پردازد.

✓ این رویکرد، از دو رویکرد قبلی ژرف‌تر است.

✓ هر رویکردی، توده‌ای از دانش زمینه (B) به همراه مجموعه‌ای از مسائل (P)، اهداف (A) و روش‌هاست (M).

### **ذهن‌گرایی:**

#### **زمینه:**

✓ تنها ذهن‌گرایی غیر علمی بوده که متضمن حدسیات حساب نشده و از روش علمی برای آزمون آن تاملات استفاده نمی‌کند.

✓ ذهن‌گرایان علمی نیازی به موضع‌گیری در مناقشه تن - روان ندارند.

✓ در ذهن‌گرایی علمی، B متشکل از تعدادی اصول هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و اخلاقی بوده که زیربنای هر علم رشدیافته‌ای است.

✓ یکی از موارد استثنای اصول هستی‌شناختی، این اصل بوده که جهان منحصرًا متشکل از اشیای عینی خارجی است.

✓ مکتب ورزبرگ نمونه خوبی از دو پهلوی حرف زدن است.

✓ پژوهشگران ذهن‌گرا به لحاظ بی‌تجربگی روش‌شناختی، بیش از دیگران در معرض خودفریبی و جزم‌گرایی هستند.



- ✓ ذهن‌گرایی، هیچ پیشینه علمی خاصی ندارد تا درباره آن سخن بگوید.
- ✓ ذهن‌گرایی در جدایی از سایر قلمروهای دانش، به شبه علم و ایدئولوژی شباهت دارد.
- ✓ پیشینه ذهن‌گرایی فوق‌العاده محدود بوده و کاملاً بی‌اساس است.

#### مجموعه مسائل:

- ✓ ذهن‌گرایان بیشتر به مجموعه مسائل سنتی روانشناسی می‌پردازند که مزیت اصلی آن است.
- ✓ مسائل سنتی روانشناسی شامل بسیاری از مسائل درباره رفتار و همبستگی‌های عصبی فرآیندهای روانی نمی‌شود.

#### اهداف:

- ✓ هدف اعلام شده ذهن‌گرایی، توصیف و درک روان انسان است.
- ✓ پیشروترین ذهن‌گرایان بویژه اعضای مکتب گشتالت، در پی یافتن الگوهای توصیف و درک روان بوده‌اند.

#### مجموعه روش‌ها:

- ✓ ذهن‌گرایی غیر علمی نوعاً تاملی، استعاره‌ای، جزم‌گرایانه، غیر آزمایشی و غیر ریاضی است.
- ✓ ذهن‌گرایی علمی چنان که وونت و جانشینان وی عمل کرده‌اند، معقول و تا اندازه‌ای آزمایشی است.
- ✓ روش اصلی ذهن‌گرایی علمی، درون‌نگری بوده که نمونه‌ای از روش آزمایشی نیز بحساب می‌آید.
- ✓ تنها ابزار مورد نیاز روانشناسی ذهن‌گرایانه آزمایشی، زمان سنج است.

#### رفتارگرایی:

##### زمینه:

- ✓ دیدگاه کلی یا جهان‌بینی رفتارگرایی، کاملاً طبیعت‌گرایانه است، روان مجرد را نفی کرده و دیدگاه کوتاه‌بینانه‌ای دارد زیرا پدیده‌های غیر رفتاری مانند هیجان، تخیل و هوشیاری را نادیده می‌گیرد.
- ✓ متغیر فرضی رابط به معنای رابط فرضی میان محرک و پاسخ است.
- ✓ اصول اخلاقی پژوهش‌های رفتارگرایانه دقیق است.
- ✓ ارتباط اصلی رفتارگرایی با علم، از طریق برون‌داد است نه از طریق درون‌داد و استفاده از نتایج علوم.

#### مجموعه مسائل:

- ✓ مجموعه مسائل مطرح در رفتارگرایی، مکمل مجموعه مسائل ذهن‌گرایی است.
- ✓ در رفتارگرایی، پرسش از چراها ممنوع بوده و فقط توصیف پدیده‌ها و روابط آنها جایز است.

#### اهداف:

- ✓ هدف رفتارگرایی، توصیف، پیش‌بینی و مهار رفتار انسان و حیوان است.
- ✓ توصیف، قوانین عام میان رشته‌ای درباره رفتار و بویژه یادگیری را در بر می‌گیرد.

## مجموعه روش‌ها:

- ✓ مجموعه روش‌های رفتارگرایی به اندازه اهداف آن، هم جنبه علمی دارد و هم جنبه تنگ‌نظرانه.
- ✓ علمی بوده چون از مشاهده، اندازه‌گیری، آزمایش و آمار استفاده می‌کند و تنگ‌نظرانه است چون نظریه‌پردازی را رد می‌کند.
- ✓ مجموعه روش‌های رفتارگرایی مطابق با برداشت ارسطویی از تغییر بوده که بنا بر آن، علت برای ایجاد معلول، بدون در نظر گرفتن ساختار درونی و وضع دستگاه، کفایت می‌کند.
- ✓ حاصل کار رفتارگرایی در قیاس با تلاش فراوانی که برای طراحی و انجام آزمایش صورت گرفته، بسیار ناچیز است.

## روان‌زیست‌شناسی:

### زمینه:

- ✓ روان‌زیست‌شناسی هم یک جهان‌بینی کاملاً علمی را در پیش می‌گیرد و هم فرضیه این همانی را می‌پذیرد که براساس آن، فرآیندهای روانی، همان فرآیندهای مغزی هستند.
- ✓ روان‌زیست‌شناسی بر زیست‌شناسی بویژه علم اعصاب مبتنی بوده که آن هم شیمی و فیزیک را پیش‌فرض می‌گیرد.
- ✓ روان‌زیست‌شناسی، وسیع‌ترین شالوده را در مجموعه ۳ رویکرد ذهن‌گرایی، رفتارگرایی و زیست‌شناختی داراست و به همین دلیل، یکی از محکم‌ترین سنگرها در نظام معرفت علمی است.

### مجموعه مسائل:

- ✓ مجموعه مسائل آن، سلسله کاملی از حقایق رفتاری و روانی است.
- ✓ مجموعه مسائل روان‌زیست‌شناسی شامل مجموعه رفتارگرایی و بخش زیادی از مجموعه مسائل ذهن‌گرایی است.
- ✓ اینکه در چه مرحله‌ای از تحول فرد، هوشیاری شروع به پیدایش کرده و مسائلی درباره منشا برتری جانبی مغز، زبان و تعقل، مسائل مورد علاقه خاص روان‌زیست‌شناسی است.

### اهداف:

- ✓ اهداف آن، مجموعه‌ای از اهداف رفتارگرایی و فراتر از آن است.
- ✓ روان‌شناسان زیستی افزون بر توصیف رفتار می‌کوشند رفتار را با اصطلاحات عصبی - زیستی تبیین کنند.
- ✓ هدف نهایی روان‌زیست‌شناسی، پایه‌ریزی نظریه‌های فراگیر (عام) و مواردی (خاص) است که برای تبیین و پیش‌بینی رفتار حقایق روانی با بیان زیست‌شناختی تواناست.

## مجموعه روش‌ها:

- ✓ برخلاف ذهن‌گرایی که در اندازه‌گیری ناقص بوده و رفتارگرایی که از جهت نظریه ناتمام است، روان‌زیست‌شناسی بهره کاملی از روش علمی می‌برد.
- ✓ برخلاف ذهن‌گرایی که پدیدارهای روانی را نشان داده و رفتارگرایی که توجهی به آنها ندارد، روان‌زیست‌شناسی درصدد مراقبت و تغییر فرآیندهای روانی به شیوه‌ای مستقیم است.

- ✓ رویکرد روان‌زیست‌شناسی، پدیدارهای روانی را همان فرآیندهای مغزی می‌داند.
- ✓ روان‌زیست‌شناسی نه تنها مجموعه روش‌های علم اعصاب بلکه روش‌های ابداع شده عالمان روان – فیزیک و رفتارگرایان و حتی درون‌نگری را به خدمت می‌گیرد.
- ✧ حرکت از ذهن‌گرایی به رفتارگرایی و از آن به روان‌زیست‌شناسی با دگرگونی در فلسفه‌های زیربنایی یعنی از آرمان‌گرایی به اثبات‌گرایی و از آن به طبیعت‌گرایی تقویت شده است.
- ✧ رویکردهای ذهن‌گرا و رفتارگرا نارسا هستند.
- ✧ نقطه قوت ذهن‌گرایی، مجموعه مسائل آن و نقطه قوت رفتارگرایی، مجموعه روش‌مندی آن است.
- ✧ هدف ذهن‌گرایی آن هم با درون‌نگری، بلندپروازانه و دست‌نیافتنی است.
- ✧ اهداف رفتارگرایی، بیش از حد متواضعانه بوده و پیشرفت‌های اندک آن مربوط به تلاش‌های پژوهشی آن است.
- ✧ رویکرد زیست‌شناسی گسترده‌ترین زمینه را داشته و به گسترده‌ترین مجموعه مسائل می‌پردازد.
- ✧ پیدایش روان‌زیست‌شناسی را باید در زمره انقلاب‌های بزرگ علمی قرن بشمار آورد.

### روانشناسی علمی:

- ✓ نتیجه رویکرد علمی به رفتار و روان، توسعه تدریجی روانشناسی بعنوان یک علم مبتنی بر همان پایه‌های علمی رشته‌های دیگر علمی است.
- ✓ روانشناسی علمی را با ۱۰ جزء ترسیم می‌شوند که عبارتند از گروه پژوهش (C)، جامعه (S)، قلمرو یا عالم مقال روانشناسی (D)، دیدگاه عام یا زمینه فلسفی (G)، زمینه صوری (F)، زمینه خاص (B)، مجموعه مسائل (P)، گنجینه دانش (K)، مجموعه‌ای از اهداف یا مقاصد (A) و مجموعه روش‌ها (M).
- ✓ گروه پژوهش بخشی از کمیته روانشناسی بوده که آموزش‌های علمی دیده، ارتباطات اطلاعاتی قوی میان خود داشته و یک سنت تحقیق علمی را آغاز کرده یا ادامه می‌دهند.
- ✓ جامعه، میزبان گروه پژوهش بوده و فعالیت‌های اجزای آن را حمایت کرده یا حداقل تحمل می‌کند.
- ✓ قلمرو، مجموعه‌ای است از حالات رفتاری و روانی و تغییرات حالات حیوانات و مستعد ادراک و یادگیری.
- ✓ دیدگاه عام مرکب است از اصول هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و اخلاقی که مطالعات علمی قلمرو را هدایت می‌کند.
- ✓ زمینه صوری مجموعه‌ای از نظریات منطقی و ریاضی بوده که اعضای آن می‌توانند از آنها در مطالعه قلمرو استفاده کنند.
- ✓ زمینه خاص مجموعه‌ای از دانش‌های بدست آمده در قلمروهای دیگر کاوش علمی است که توسط گروه پژوهش در مطالعه استفاده می‌شود.
- ✓ مجموعه مسائل، مجموعه‌ای از مسائل بالفعل یا بالقوه بوده که اعضای گروه پژوهش می‌توانند آنها را مطالعه و تحقیق کنند.
- ✓ گنجینه دانش، مجموعه اطلاعاتی است که گروه پژوهش، آنها را در گذشته تحصیل کرده و اکنون از آنها استفاده می‌کند.
- ✓ اهداف یا مقاصد اعضای گروه پژوهش راجع به مطالعه انسان درباره قلمروهاست یعنی توصیف، تبیین و پیش‌بینی حالات و رویدادهای رفتاری و روانی.
- ✓ مجموعه روش‌ها بویژه روش‌های علمی عام و روش آزمایشی بوده که اعضای گروه پژوهش در مطالعه قلمروها بکار می‌برند.

- ✓ روانشناسی علمی دو شرط بنیادی دارد: الف) روابط دائمی قوی با رشته‌های علمی دیگر و ب) عضویت هریک از ۸ جزء اخیر.
- ✓ سه جزء گروه پژوهش، جامعه و قلمرو، چهارچوب مادی روانشناسی هستند.
- ✓ هفت جزء دیگر، چارچوب مفهومی روانشناسی نامیده شده که نظری و فکری هستند.
- ✓ گروه C متشکل از کاوشگران و شکاکان بوده و معتقدان صرف، در این گروه جای ندارند.
- ✓ بدیهی بودن روان مجرد، در الهیات و فرا روانشناسی جای دارد.
- ✓ از ۳ فلسفه روانی یعنی آرمان‌گرایی، اثبات‌گرایی و طبیعت‌گرایی که قوی‌ترین تاثیر را بر روانشناسی اعمال کرده‌اند، طبیعت‌گرایی با جهان‌بینی علمی سازگارتر است.
- ✓ فلسفه طبیعت‌گرایی تنها فلسفه‌ای است که رویکرد زیست‌شناختی به رفتار و روان را که جامع‌تر و نویدبخش‌تر هست تقویت می‌کند.
- ✓ زمینه صوری روانشناسی معاصر، نسبتاً کم است.
- ✓ ریاضیات، یک علم صوری بوده که با هیچ قلمرویی از واقعیت پیوند ندارد و نیز می‌تواند از یک قلمروی علمی به قلمروی دیگر انتقال یابد.
- ✓ زمینه صوری باید شامل کل قلمروی نظریات ریاضی شود.
- ✓ گنجینه دانش روانشناسی نسبتاً کم بوده و صرفاً متضمن مباحثی از روانشناسی قومی و نیز تعداد نامعلومی از فرضیه‌هایی است که یا آزمون‌ناپذیرند و یا خطای آنها آشکار است.
- ✓ اهداف روانشناسی بنیادین، همان اهداف علوم بنیادین است.
- ✓ اهداف روانشناسی کاربردی بویژه روانشناسی بالینی، روانپزشکی و روانشناسی تربیتی، عملی هستند و نه شناختی.
- ✓ بخش مرکزی روش‌های روانشناسی، روش علمی است.
- ✓ تحقیق تجربی با روش آزمایشی ملازم است.
- ✓ روانشناسی نظری، تنها شیوه‌های مفهومی را در بر می‌گیرد.
- ✓ روانشناسی قومی و علمی‌نما، به گونه‌ای بارز، در حاشیه است.
- ✓ در علم، تنها استقلال ارزشمند، استقلال داوری است.
- ✓ رشته علمی مستقل، رشته‌ای است که نه چیزی وام بدهد و نه چیزی وام بگیرد که در بهترین حالت، یک نظریه‌پردازی خودسرانه بی‌ضرر است و در بدترین حالت، خطرناک و همراه با شیادی.
- ✓ روانشناسی علمی برخلاف مجموعه‌ای از عقاید، همیشه در سیلان است و برخلاف ایدئولوژی که اگر تطوری بیابد، تنها بر اثر فشارهای خارجی یا فشارهای ناشی از جنگ و ستیز است، روانشناسی علمی در نتیجه تحقیق در خودش تکامل می‌یابد.
- ✓ پژوهش روانشناسی در انزوا انجام نمی‌شود بلکه در گروه C انجام شده که ریشه در جامعه S دارد.